

# اثربخشی بازآموزی سبک‌های اسنادی بر بهبود ابعاد عملکرد خانواده زوجین متقاضی طلاق

حسن زارعی محمودآبادی<sup>۱</sup>  
استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه یزد

پذیرش: ۹۲/۱۰/۱۴

دریافت: ۹۲/۵/۲

## چکیده

**هدف:** هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی بازآموزی سبک‌های اسنادی بر بهبود ابعاد عملکرد خانواده زوجین متقاضی طلاق شهر یزد بود.

**روش:** پژوهش نیمه آزمایشی و براساس طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود. آزمودنی‌ها شامل ۴۰ نفر (۲۰ زوج) از زوجین متقاضی طلاق شهر یزد بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و به دو گروه آزمایش و کنترل (۱۰ زوج آزمایش و ۱۰ زوج کنترل) گمارده شدند. پژوهشگر مدت ۸ جلسه، آموزش‌های لازم را به گروه آزمایش ارائه داد. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه عملکرد خانواده (FAD) استفاده گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر آمار توصیفی از روش مانکوا، آنوا، آنکوا و تی مستقل نیز استفاده گردید.

**یافته‌ها:** نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان داد که بین گروه آزمایش و کنترل حداقل در یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنی‌دار وجود دارد  $F=19/969$ . همچنین نتایج تحلیل آنکوا در متن مانکوا نیز نشان داد اثر آموزش بر روی حل مسأله (۰/۸۵) و کنترل رفتار (۰/۳۸) می‌باشد که این اثر معنادار بود. همچنین بازآموزی سبک‌های اسنادی توانسته است آمیزش عاطفی، نقش‌ها، همراهی عاطفی و ارتباط را در زوجین بهبود بخشد.

**نتیجه‌گیری:** با به کارگیری بازآموزی سبک‌های اسنادی به زوجین متقاضی طلاق می‌توان عملکرد خانواده آنها را بهبود بخشید و در جهت کاهش طلاق گام برداشت.

**واژگان کلیدی:** سبک‌های اسنادی، طلاق، عملکرد خانواده.

## مقدمه

عملکرد یا کارایی خانواده، تلاش مشترکی برای برقراری و حفظ تعادل در خانواده است. خانواده دارای عملکرد مطلوب، یک منظومه باز است که اعضای آن به طور عاطفی به هم پیوسته‌اند؛ ولی با این وجود برای گسترش هویت فردی خود تشویق شده‌اند. فضای چنین خانواده‌ای مملو از عشق و پذیرش بدون قید و شرط هر عضو خانواده است. در نتیجه این پذیرش، خانواده می‌تواند تعارض را حل کند و با میل و رغبت، درخواست کمک اعضا را اجابت کند (کالمجین و انک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). کارایی یا عملکرد خانوادگی دارای دو بعد درون خانگی و برون خانگی است. لذا هم تابع شرایط اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی جامعه می‌باشد و هم تابع آرایش اعضا و ساخت خانواده (خجسته مهر، قنوتیان، رجبی، ۱۳۹۱). ملاک کارایی در خانواده آن نیست که در آن فشار روانی، تعارض و مشکل وجود نداشته باشد بلکه این است که خانواده تا چه اندازه در تحقق وظایف و کارکردهایش توانا می‌باشد. که به نوبه خود به ساخت و توانایی سازگاری زوجین بستگی دارد (هالی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). از جمله عواملی که بر عملکرد خانواده و سازگاری زوجین تأثیر دارد نحوه نگرش آنها نسبت به مسائل و مشکلات پیش آمده به خصوص در حیطه‌های مرتبط با عملکرد خانواده، مانند ارتباط بین همسران، حل مسأله، نحوه بروز نقش‌ها، چگونگی کنترل رفتار و شیوه ابراز علاقه است (شریفی و همکاران، ۱۳۹۰). استفاده از نظریه شناختی (بازآموزی سبک‌های اسنادی) می‌تواند در این زمینه به زوجین متقاضی طلاق کمک زیادی نماید.

نظریه اسناد، نظریه‌ای مدون و واضح نمی‌باشد؛ بلکه شامل مجموعه گسترده‌ای از عقاید، قواعد و مفروضه‌های است که به چگونگی استباط افراد از علل رفتار خود و دیگران مربوط است (فosterلینگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰).

1. Kalmjin & Unk
2. Holley
3. Fosterling

مفروضه اساسی نظریه‌های اسناد بر آن است که افراد صرفاً حوادث را ثبت نمی‌کنند؛ بلکه تلاش می‌کنند تا تبیین‌های مناسبی برای آنچه اتفاق افتاده است، ارائه دهند و به این علاقه‌مند هستند که افراد چگونه علل رویدادها را درک می‌کنند (گاتمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). کلی<sup>۲</sup> (۱۹۷۳)، به نقل از خجسته مهر و همکاران، (۱۳۹۱) به عنوان یکی از پیشگامان نظریه اسناد معتقد است افراد تلاش می‌کنند رویدادهایی را که به آنان مربوط می‌شود درک، پیش بینی و کنترل نمایند. آنان براساس مشاهدات خود، باورها یا نظریه‌هایی درباره آنچه روی می‌دهد، می‌سازند و براساس باورهای شان عمل می‌کنند.

در میان نظریه‌های شناختی موجود برای تبیین تعارض و کشمکش زناشویی، الگوهای اسنادی از جایگاه خاصی برخوردار است (کلی، ۱۹۷۳). براساس این الگو استنباط‌های علی افراد از مشاهده رفتار همسر، به طور جدی بر سطح رضایت آنان از رابطه تأثیر می‌گذارد (فینچام و بیچ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). باکوم، هوسیرز و دوهر<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) دریافتند که زوج‌های درمانده، رفتار منفی و همراه با عدم همکاری همسران خود را به عوامل درونی اسناد می‌دهند و از این طریق حداکثر برخورد منفی خود را تضمین می‌نمایند و بالعکس رفتارهای پاداش‌دهنده و مثبت همسران خود را بیشتر به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند. زوج‌های درمانده، همچنین بر رفتار منفی همسران خود تأکید دارند و رفتار مثبت آنان را به حساب نمی‌آورند؛ در حالی که زوج‌های غیردرمانده بر اعمال مثبت تأکید می‌نمایند و اعمال منفی که ممکن است انجام شوند، را مورد توجه قرار نمی‌دهند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰)

دیگر مفروضه اساسی کاربرد شیوه بازآموزی اسنادی برای حل مشکلات زناشویی این است که زوجین ادراک‌های خاصی درباره رویدادها دارند؛ که ممکن است مطابق با واقعیت باشد یا نباشد. نحوه شکل‌گیری این ادراک‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود آیا

- 
1. Gottman
  2. Kelly
  3. Fincham & Bech
  4. Baucom, Hosiers & Duher

همه اطلاعات زیر بنایی این ادراک‌ها قابل دسترسی، معتبر و کامل هستند یا خیر. اگر یکی از زوجین انتقاد همسر را به عنوان طرد تلقی کند لازم است بررسی شود آیا وی واقعا قصد داشته که با انتقاد کردن پیام طرد را به همسر منتقل کند؛ یا این که صرفاً این گونه احساس شده است. اغلب زوجین در ادراک‌های خود انتخابی عمل کرده و مایلند به عوامل و شواهدی که در تضاد و تقابل با فرضیات آنها درباره رویدادهای مورد مشاهده است توجه نکنند (ویبری و هاروی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹).

بخش عمده مفهوم و معنایی که همسران برای رفتار یکدیگر ذکر می‌کنند اسنادها یا تبیین‌هایی هستند که برای رفتار ساخته‌اند. از نظر فوسترلینگ (۲۰۱۰) افراد وابسته به هم، علاقه زیادی به تبیین رفتار یکدیگر دارند. هر کدام می‌خواهد بداند فرد دیگر واقعا چه چیز را دوست دارد، چطور انتظار او را در آینده برآورده کند، و تحت چه شرایطی رفتارشان را تغییر دهند. به علاوه انگیزه تبیین، پیش بینی و تفسیر رویدادهای بین فردی زمانی که منفی، مهم و مربوط به خود هستند، افزایش می‌یابد.

هلتزورث - مونرو و جاکوبسن<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) گزارش داده‌اند اکثر افراد متأهل، رفتار همسرانشان، به ویژه رفتارهای منفی آنها را تحلیل می‌کنند. برای مثال رفتار خصمانه و سرد همسر را به بد اخلاق تعبیر می‌کنند. در زمان پرسش دلیل این رفتار از سوی همسر، دلیل را به این شکل بیان می‌کند که روز خسته کننده و بدی را گذرانده‌اند. به علاوه نتیجه‌گیری‌های ما درباره این که افراد چه انجام می‌دهند حایز اهمیت است. آنها واکنش‌های ما را درباره افراد تعیین می‌کنند و در تصمیم‌گیری‌های مان تأثیر دارند (والش<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱).

باکوم و اپستین<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) برنامه درمانی خاصی را با ترکیب بخشی از کارهای مربوط به حوزه انتظارات غیرواقع بینانه و اسناد زناشویی ابداع کرده‌اند؛ که به تغییر این شناخت‌های

1. Weary & Harvey  
2. Holtzwrth-Munero & Jacobson  
3. Walsh  
4. Baucom, D. & Epstein

بی‌حاصل و تحریف شده زناشویی مربوط می‌شود. در این شیوه ابتدا بر سبک اسنادی زوجین تمرکز نموده و ابعاد اسنادهای درونی در برابر بیرونی، عام در برابر خاص، و پایدار در برابر ناپایدار مورد تاکید قرار می‌گیرد.

اسنادهای زوجین از یک سری تجارب تراکمی در تعاملات زناشویی ریشه می‌گیرد. و زمانی که در یک موقعیت، رفتار یا مشکلی روی می‌دهد، آن موقعیت‌های همسان با آن اسنادها درک و تعبیر می‌شود و رفتار زوجین در چنین شرایطی بستگی به اسنادهایی که ساخته‌اند، دارد (داتیلو و اپستین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). به طور کلی اسنادهای خنثی و سازگارانه باعث رفتارهایی می‌شود که حل مشکلات را گسترش می‌دهد؛ در حالی که اسنادهای نامطلوب منجر به رفتارهایی می‌شود که موجب تداوم یافتن مشکلات می‌گردد (باس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷).

بررسی رابطه بین اسنادها و رضامندی زناشویی بطور عمده از طریق مطالعات طولی صورت گرفته است. در پژوهش‌های اولیه، اسنادها را بیشتر به عنوان پیش‌بینی‌کننده کیفیت زناشویی در نظر می‌گرفتند. یافته‌های اخیر نیز نتایج به دست آمده از پژوهش‌های اولیه که اسنادها را به عنوان پیش‌بینی‌کننده رضامندی بعدی زناشویی مطرح می‌کردند را تأیید می‌نمایند (برادبری و فینچام<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰).

مطالعات بسیاری کاربرد بازآموزی اسنادی در افزایش ابعاد عملکرد خانواده مورد بررسی قرار داده‌اند (تیزدل<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵). فوسترلینگ (۲۰۱۰) بعد از بازنگری پانزده مطالعه که در مورد اثرمندی بازآموزی اسنادی انجام شده بود، به این نتیجه رسید که آموزش‌های داده شده، شناخت‌ها و رفتار را در جهت انتظار تغییر داده است. اپستین و باکوم (۲۰۰۶) نیز با استفاده از شیوه بازآموزی اسنادی موفق شدند این اعتقاد که بدرفتاری دیگران عمدی است در افراد کاهش دهند. در زمینه حل مشکلات زناشویی کارلیون<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) برنامه درمانی خاصی را با

1. Dattilo, M. & Epstein
2. Boss
3. Bradbury & Fincham
4. Teasdale
5. Carlyon

تأکید بر اسنادهای زناشویی به کار برده است که به تغییر شناخت‌های بی‌حاصل و تحریف شده زناشویی انجامید.

امروزه بسیاری از ازدواج‌ها قبل از مراسم عروسی و یا مدت کوتاهی بعد از آن متلاشی می‌شوند. درک اینکه چرا ازدواج به شکست می‌انجامد، می‌تواند راه‌حلی برای کمک به زوجینی باشد که در آستانه طلاق قرار دارند. متأسفانه آمار طلاق، اختلافات زناشویی و سست شدن بنیان خانواده‌ها رو به افزایش است. که این مسأله، اثرات سویی بر اعضاء خانواده دارد. چنانکه زارعی محمودآبادی (۱۳۹۱) میزان طلاق در کشور ایران را، ۱۹/۳ درصد گزارش می‌دهد. طلاق یک فرایند طولانی مدتی است که با نارضایتی و آشفتگی در ازدواج شروع می‌شود و با پذیرش یا جدایی خاتمه می‌یابد (فینزی، کوهن و رام<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). آمار طلاق در یک دهه اخیر در جهان رو به افزایش بوده است (یانگ و لانگ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). طلاق، خرده نظام‌های زوجی را از هم می‌پاشد و بر روی تمام افراد در خرده نظام‌های خانواده و روابط آن خرده نظام‌ها با خرده نظام‌های دیگر تأثیر می‌گذارد (آویدان، یحیی و گرینبام<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹).

از این رو با توجه به افزایش آمار طلاق در جامعه و از طرفی آسیب‌های مرتبط با آن و نگرانی زوجین در زندگی زناشویی جهت افزایش رضایت زناشویی و ارتقای عملکرد خانواده، این پژوهش با هدف بهبود ابعاد عملکرد خانواده زوجین متقاضی طلاق انجام گرفت. از این رو پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا بازآموزی سبک‌های اسنادی می‌تواند ابعاد عملکرد خانواده زوجین متقاضی طلاق را بهبود بخشد؟

## روش

طرح پژوهش: این پژوهش نیمه آزمایشی و بر اساس طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد. نمای طرح به شکل زیر است.

1. Finzi, Kohan & Ram
2. Young & Long
3. Avidan, Yahia & Greenbaum

طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل

.....  
 O2 X O1 R گروه آزمایشی (E)  
 O4 - O3 R گروه کنترل (C)

جامعه پژوهش، کلیه زوجین متقاضی طلاق شهر یزد، که از دی ۹۱ تا اردیبهشت ۹۲ به دادگاه یزد مراجعه کرده بودند. محقق با استفاده از یک مصاحبه نیمه ساخت یافته و مبتنی بر الگوی مک‌مستر<sup>۱</sup>، یک مصاحبه مقدماتی از آنها گرفت. تعداد ۴۰ نفر (بیست زوج) به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از: حداقل سواد خواندن و نوشتن، زوجین تمایل به شرکت در جلسات داشته باشند (منظور اینکه قرارداد مشاوره‌ای را هر دو زوج امضاء کنند). زوجین ازدواج اولشان باشد. ملاک‌های خروج نیز عبارت بودند از ابتلا به هر نوع اختلالات روانی، مصرف هر نوع داروی روان‌گردان. همچنین از شرکت کنندگان جهت حضور در برنامه درمانی کسب رضایت شد و نسبت به برنامه مداخله آگاه شدند. روش اجرا به شرح ذیل بود.

بعد از اینکه زوجین به گروه‌های آزمایش و کنترل گمارده شدند، مدت ۸ هفته (هر هفته یک جلسه ۱/۵ ساعته) به زوجین متقاضی طلاق (گروه آزمایش) بازآموزی ارائه شد. تمام برنامه‌های آموزشی توسط ۵ نفر از متخصصان مشاوره و روانشناسی به تأیید رسید. برای گروه کنترل هیچ آموزشی در نظر گرفته نشد ولی با توجه به ملاحظات اخلاقی بعد از اتمام آموزش گروه آزمایش، ضمن اطلاع به گروه کنترل از آنها خواسته شد که در جلسات آموزشی شرکت کنند. (لازم به ذکر است، ابتدا بر روی هر دو گروه پیش‌آزمون FAD اجرا، آنگاه جلسات آموزشی صرفاً برای گروه آزمایش به اجرا درآمد و در نهایت پس‌آزمون بعد از ۸ جلسه بر روی هر دو گروه اجرا شد) محتوای بسته مداخله‌ای یا تکنیک‌هایی که توسط مشاور آموزش داده شد در جدول زیر (۱) آمده است.



جدول ۱. محتوای جلسات آموزشی و عنوان هر جلسه

جلسات	عنوان جلسه	محتوای جلسه
۱	برقراری ارتباط و ارزیابی اولیه از زوجین	۱- برقراری رابطه حسنه با زوجین ۲- بیان قواعد، اهداف و تعداد جلسات ۳- انجام مصاحبه اولیه و گرفتن پیش آزمون ۴- گرفتن بازخورد
۲	آموزش سبک‌های اسنادی	۱- توضیح سبک‌های اسنادی (درونی- بیرونی، عام- خاص، پایدار- ناپایدار) ۲- مزایا و معایب کاربرد آنها ۳- پاسخ به سوالات در مورد اسنادها ۴- ارائه تکلیف به زوجین و بازخورد
۳	بازآموزی سبک‌های اسنادی و تاثیر آن بر عملکرد خانواده	۱- بررسی تکلیف زوجین و گرفتن بازخورد اولیه ۲- آموزش سبک‌های اسنادی ۳- نقش اسنادها در عملکرد خانواده ۴- استفاده از جدول بررسی اسنادها توسط زوجین ۵- ارائه تکلیف و بازخورد.
۴	راهبردهای شناختی، اسنادهای منطقی و غیرمنطقی	۱- آموزش مهارت گوش دادن فعال ۲- شناسایی موانع گوش دادن موثر ۳- انواع گوش دادن و کارکردهای آن ۴- برقراری گفتگو بین اسنادهای منطقی و غیر منطقی ۵- ارائه تکلیف و بازخورد.
۵	تکنیک‌های شناختی	۱- ارزیابی افکار اتوماتیک توسط زوجین ۲- معرفی تحریف‌های شناختی ۳- آموزش مقابله با تحریف‌های شناختی ۴- ارائه تکلیف و بازخورد.
۶	نقش افکار، احساس و رفتار... جایگاه اسنادها	۱- نقش افکار، احساس و رفتار در زندگی ۲- جدول ترسیم افکار مثبت و منفی همراه با احساسات ۳- ارائه تکلیف و بازخورد
۷	ادامه آموزش و تغییر اسناد	۱- بررسی و ارزیابی باورهای زوجین ۲- بررسی شواهد تایید کننده و رد کننده در مورد اسنادها ۳- چالش با باورها و نیایدها ۴- اسنادهای جایگزین در زندگی ۵- ارائه تکلیف و بازخورد.
۸	اختتام و جمع بندی جلسات	۱- خلاصه جلسات قبل ۲- بررسی شواهد تایید کننده و رد کننده در مورد اسنادها ۳- چالش با باورها و نیایدها و ۴- گرفتن پس آزمون ۵- تشکر، خداحافظی و ختم جلسه

ابزار پژوهش، پرسشنامه سنجش خانواده (FAD)<sup>۱</sup> بود. این ابزار یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است که برای سنجش عملکرد خانواده بنابر الگوی مک مستر تدوین شده است. شش بعد از

1. Family Assesment Device

عملکرد خانواده از قبیل: حل مشکل، ارتباط نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار را اندازه‌گیری می‌کند (اپستین و همکاران، ۲۰۰۴). هر گزاره به وسیله مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای (۱- کاملاً مخالفم تا ۵- کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. در آزمون FAD، نمره بالا نشانه عملکرد ضعیف و نمره پایین نشان دهنده عملکرد بالا می‌باشد. نسخه ایرانی این پرسشنامه توسط نجاریان (۱۳۷۴) به کار گرفته شد. پایایی این پرسشنامه از ۰/۶۳ تا ۰/۹۲ و روایی همزمان و پیش‌بینی آن با مؤلفه طلاق (۷۸/۸۶) به دست آمده است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای تک تک خرده مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۸۲، ۰/۶۷، ۰/۷۴، ۰/۶۳، ۰/۸۱ به دست آمد (نجاریان، ۱۳۷۴). برای مقیاس FAD نقطه برش ۲۴ در نظر گرفته شده است که تفکیک میان جمعیت بالینی و غیربالینی را ممکن می‌سازد. به این معنی که نمره بالاتر از آن نیاز به مداخله را متذکر می‌شود (نجاریان، ۱۳۷۴).

#### یافته‌ها

۳۷۶

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری (میانگین و انحراف استاندارد) و همچنین از روش تحلیل واریانس چندمتغیری و تحلیل کواریانس چندمتغیری استفاده شد. بررسی توصیفی متغیرهای سن و مدت ازدواج در دو گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد که میانگین سن زنان و مردان متقاضی طلاق در گروه آزمایش به ترتیب ۲۴ و ۲۹ و در گروه کنترل ۲۲ و ۲۸ می‌باشد. تفاوت میانگین سن در دو گروه مستقل معنی‌دار نبود ( $t=4/58$ ،  $t=38$  =  $df$  و  $p>0.05$ ). همچنین میانگین مدت ازدواج در گروه آزمایش ۷ سال و در گروه کنترل ۴ سال بود که این تفاوت نیز معنی‌دار نبود ( $t=3/23$ ،  $t=38$ ،  $df=38$  و  $p>0.05$ ). پیش فرض آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری با استفاده از آزمون  $t$  مستقل اجرا گردید. نتایج نشان داد که بین گروه آزمایش و کنترل در ابعاد ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی و آمیزش عاطفی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ( $p>0.05$ ). از این رو نیازی به کنترل آنها

نیست. ولی در ابعاد حل مسأله و کنترل رفتار تفاوت معنی دار می‌باشد ( $p < 0/005$ ) که کنترل شدند.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد نمرات زوجین در دو گروه آزمایش و کنترل قبل و بعد از

مداخله

مؤلفه ها	گروه	میانگین پیش‌آزمون	انحراف استاندارد	میانگین پس‌آزمون	انحراف استاندارد پس‌آزمون
حل مسأله	آزمایش	۳۲/۳۴	۳/۸۶	۲۲/۱۵	۲/۵۲
	کنترل	۳۹/۳۵	۴/۵۶	۴۰/۸۰	۳/۴۸
ارتباط	آزمایش	۴۴/۲۵	۵/۳۶	۲۳/۶۰	۳/۱۱
	کنترل	۴۲/۱۵	۴/۴۸	۴۰/۵۰	۴/۱۷
نقش‌ها	آزمایش	۳۸/۲۵	۵/۱۰	۲۳/۱۴	۳/۲۱
	کنترل	۳۸/۰۵	۴/۸۲	۳۶/۴۵	۴/۳۴
همراهی	آزمایش	۳۳/۴۰	۲/۵۲	۲۳/۲۴	۲/۲۱
عاطفی	کنترل	۳۴/۴۵	۲/۷۰	۳۲/۷۵	۳/۲۱
	آزمایش	۳۶/۴۱	۴/۸۷	۲۳/۱۲	۲/۴۷
آمیزش	کنترل	۳۸/۹	۳/۹۵	۳۶/۲۵	۳/۰۷
عاطفی	آزمایش	۴۷/۹۳	۴/۴۵	۲۴/۱۷	۲/۱۴
کنترل رفتار	کنترل	۴۳/۲۵	۲/۷۷	۴۰/۱۰	۵/۴۶

جدول (۲) میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه‌ها در دو گروه آزمایش و کنترل در قبل و بعد از مداخله نشان می‌دهد (لازم به ذکر است که در آزمون FAD، نمره بالا نشانه عملکرد ضعیف و نمره پایین نشان دهنده عملکرد بالا می‌باشد).

از جدول فوق بر می‌آید که بالاترین میانگین مربوط به بعد کنترل رفتار (گروه آزمایش، ۴۷/۹۳ و گروه کنترل، ۴۳/۲۵) با انحراف استاندارد ۴/۴۵ (آزمایش) و ۲/۷۷ (کنترل). این بدان

معناست که زوجین در این بعد بدترین عملکرد را داشته‌اند و پایین‌ترین نمره متعلق به همراهی عاطفی (گروه آزمایش، ۳۴/۴۰ با انحراف استاندارد ۲/۵۲ و گروه کنترل ۳۳/۴۵ با انحراف استاندارد ۲/۷۰) می‌باشد. به عبارتی زوجین در این بعد بهترین عملکرد را داشته‌اند.

برای کنترل اثر پیش‌آزمون بر روی نمرات متغیرهای وابسته در مرحله پس‌آزمون از تحلیل کواریانس چندمتغیره استفاده گردید. نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان داد که بین گروه آزمایش و کنترل حداقل در یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنی‌دار وجود دارد  $F=19/969$ ،  $p<0/001$ . میزان تاثیر یا تفاوت برابر با ۸۴٪ می‌باشد. به عبارتی ۸۴ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون ابعاد عملکرد خانواده مربوط به تاثیر آموزش می‌باشد. توان آماری ۱ است که نشان می‌دهد امکان خطای نوع دوم وجود نداشته و حجم نمونه کفایت می‌کند. پیش‌فرض آزمون پارامتریک به وسیله آزمون باکس مورد سنجش قرار گرفت که مقدار آن  $22/43 = \text{Box M}$ ،  $F=7/05$ ،  $df1=3$ ،  $df2=2599/25$ ،  $p>0/005$  بود، که نشان از نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای وابسته در دو گروه بود.

جدول ۳. نتایج تحلیل کواریانس یک راهه در متن مانکوا بر روی پس آزمون میانگین نمرات حل مسأله و کنترل رفتار در دو گروه آزمایش و کنترل

مؤلفه گروه میانگین	df	f	سطح	اندازه توان	تعدیل شده	معناداری اثر	آزمون
حل مسأله آزمایش	۲۲/۵۴	۱۱۷/۱۲	۰/۰۰۱	۰/۸۵	۰/۹۹	کنترل	۳۹/۸۵
ارتباط آزمایش	۲۶/۲۴	۱۷۸/۰۶	۰/۰۰۱	۰/۶۸	۰/۹۹	کنترل	۳۴/۵۷

جدول (۳) مربوط به آزمون تحلیل کواریانس تک متغیره برای مقایسه دو گروه (آزمایش و کنترل) از لحاظ پس آزمون، بعد از کنترل پیش آزمون می‌باشد. همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌گردد، بعد از کنترل پیش آزمون، بین دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. اثر آموزش بر روی حل مسأله (۰/۸۵) و کنترل رفتار (۰/۶۸) می‌باشد. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با ۸۵/ و ۶۸/۰ می‌باشد. به عبارتی ۸۵ درصد تفاوت‌ها در نمرات پس آزمون مربوط به تأثیر آموزش می‌باشد. توان آماری ۹۹/ است که نشان می‌دهد امکان خطای نوع دوم وجود نداشته یا حداقل است و حجم نمونه کفایت می‌کند.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس یک طرفه در متن مانوا بر ابعاد زیر در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون

مؤلفه گروه میانگین f df سطح اندازه توان	تعدیل شده	معنادار اثر آزمون
ارتباط آزمایش کنترل ۴۰/۵۰	۲۳/۴۵	۱۱۷۶/۱۲
نقش‌ها آزمایش کنترل ۳۶/۴۵	۲۴/۶۰	۱۹۴/۲۱
همراهی آزمایش عاطفی کنترل ۳۲/۷۵	۲۴/۵۰	۱۸۱/۴۵
آمیزش آزمایش عاطفی کنترل ۳۶/۲۵	۲۳/۶۵	۱۹۸/۴۵

جدول (۴) مربوط به آزمون تحلیل واریانس چند متغیری برای مقایسه دو گروه (آزمایش و کنترل) از لحاظ پس آزمون می‌باشد. همانطور که از جدول بر می‌آید تفاوت بین دو گروه (آزمایش و کنترل) معنادار است و آموزش توانسته است مؤلفه‌های فوق را در گروه آزمایش بهبود بخشد. بیشترین اثر درمان در متغیر آمیزش عاطفی (۰/۸۹) و کمترین در همراهی عاطفی (۰/۷۱) می‌باشد. در تمام موارد توان آماری برابر با ۰/۹۹ است که نشان می‌دهد امکان خطای نوع دوم وجود نداشته و حجم نمونه هم کفایت می‌کند.

### نتیجه‌گیری

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که آموزش بازآموزی سبک‌های اسنادی می‌تواند باعث بهبود عملکرد خانواده در زوج‌های متقاضی طلاق شود. در فرضیه اول، همان طور که مشاهده

شد، میزان بهبودی زوجین گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل در بعد «نقش‌ها» افزایش یافته است. نتایج این تحقیق با یافته‌های داتلیو واپشتاین (۲۰۰۵) در زمینه تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی و ایفای نقش بر رضامندی زناشویی و عملکرد خانواده همخوانی دارد. همچنین رضاخو و یونسی (۱۳۸۲) با تحقیقی در زمینه نقش بازآموزی اسنادی بر سبک اسنادی و افزایش رضامندی زناشویی در زوج‌های ناسازگار به اثربخشی آموزش‌های اسنادی دست یافتند. آنها توانستند مؤلفه ایفای نقش را که تأثیر بسزایی در عملکرد خانواده دارد را بهبود بخشند. فرضیه دوم نیز تأیید شد و نشان داد که آموزش بازآموزی اسنادی توانسته است «ارتباط» را در زوجین متقاضی طلاق بهبود بخشد. این نتایج با یافته‌های ایدلسون<sup>۱</sup> و اپستین (۲۰۰۲)، رایبسون و پریس<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) یکسان است. از نظر آنها مشکلات ارتباطی زمینه ساز اصلی همه مسایل زناشویی هستند. شایع‌ترین شکایتی که توسط زوجین ناسازگار مطرح می‌شود، عدم برقراری ارتباط است (گاتمن، ۱۹۸۹).

فرضیه سوم نیز تأیید شد و نشان داد که آموزش بازآموزی باعث بهبود «حل مسأله» در زوجین متقاضی طلاق می‌شود. این نتایج با یافته‌های مارکمن و هالوگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) در زمینه تأثیر بازآموزی اسنادی بر زوجینی که قادر به حل مسأله نبودند همخوانی دارد. باکوم و اپشتاین (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که آموزش‌های شناختی و تغییر اسنادها علاوه بر اینکه می‌تواند مهارت حل مسأله را در زوجین افزایش دهد؛ باعث کاهش درگیری فیزیکی بین زوجین می‌شود. همچنین بازآموزی اسنادها باعث بهبود «آمیزش عاطفی و همراهی عاطفی» در زوجین می‌شود. و این نتایج با یافته‌های ویس و هیمن<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) که در آن تغییر اسنادی و شناختی از قبیل آموزش ابراز فعالانه محبت به زوجین و کار بر روی اسنادها، سبب افزایش رضامندی زناشویی می‌شود؛ همخوانی دارد. فینچام و بچ (۲۰۰۵) در پژوهش خود بر

1. Eidelson
2. Robinson & Price
3. Mark man & Hallweg
4. Weiss & Hyman

روی زوجین متقاضی طلاق که در ده جلسه مداخلات شناختی شرکت کرده بودند به این نتیجه دست یافتند که باز آموزی سبک‌های اسنادی سبب افزایش صمیمیت و بهبود روابط عاطفی زوجین می‌شود.

اپستین و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهش خودپی برد که استنباط‌های علی افراد از مشاهده همسرشان، بر سطح رضامندی آنها از رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد. پژوهش دیگری مانند برادبری و فینچام (۲۰۰۰) به نتایج یکسانی در رابطه با تأثیر بازآموزی اسنادها بر عملکرد کلی خانواده زوجین دست یافتند.

نکته مهمی که در تبیین این نتایج باید به آنها توجه کرد این است که بین اسنادها و عملکرد خانواده رابطه علی دو جهتی وجود دارد (برادبری و فینچام، ۲۰۰۰). همان‌گونه که هورنیفر<sup>۱</sup> و فینچام (۲۰۰۶) اظهار داشتند تغییرات فردی در اسنادها بارضایت مندی زناشویی زوجین و تغییر عملکرد خانواده همگام است. و هر کدام همزمان بر دیگری تأثیر می‌گذارد. با تغییر اسنادهای زناشویی، زوجین احساس بهتری پیدا می‌کنند که این مسأله هم در انتخاب سبک تبیین زوج‌ها تأثیر مثبت دارد؛ و هم میزان عملکرد خانواده آنها را افزایش می‌دهد. به علاوه نتایج به دست آمده با کارهای برنز<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) در زمینه حل مشکلات زناشویی و برنامه درمانی او با تأکید بر اسنادهای زناشویی و انتظارات هماهنگی دارد.

در پژوهش حاضر با توجه به تحقیقات صورت گرفته در زمینه اسنادهای زناشویی و رابطه آن با عملکرد خانواده، همچنین نظر روانشناسانی مانند باکوم و همکاران (۲۰۰۸)، برادبری و فینچام (۲۰۰۰) که اسنادها می‌توانند نقطه تمرکز مفیدی برای درمان و مشاوره زناشویی باشند. تلاش شده تا از طریق تغییر اسنادهای زناشویی به کار رفته توسط زوج‌های نمونه، آنها به درک بهتری از تعامل زناشویی نائل آمده و به شناخت‌های جدیدتری دست یابند.

1. Horneffer  
2. Burns



از آنجا که این قبیل پژوهش‌ها در کشور ما کمتر صورت می‌گیرد. لذا طبیعی است که پژوهش حاضر دارای نواقص و محدودیت‌هایی باشد. متأسفانه ضرورت مشاوره و درمان‌های روان‌شناختی در حل مسائل زناشویی در جامعه ایران برای زوج‌های متقاضی طلاق کمتر درک شده و همکاری مردها نسبت به زن‌ها کمتر است. پیشنهاد می‌شود برای تعمیم بیشتر یافته‌ها، این قبیل پژوهش‌ها بیشتر صورت گیرد.

### منابع فارسی

- حمید، نجمه؛ بشلیده، کیومرث؛ عیدی، مجید. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی روان‌درمانی شناختی-رفتاری مذهب محور بر افسردگی زنان مطلقه. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱ (۱): ۵۴-۶۴.
- خجسته مهر، رضا؛ قنوتیان، مهدی؛ رجبی، غلامرضا. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش اسنادی بر افزایش گذشت و بهبود اسناد علی و اسناد مسئولیت زوجین. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱ (۴): ۴۴۰-۴۲۳.
- رضاخو، علی اکبرویونسی، سید جلال. (۱۳۸۲). نقش بازآموزی اسنادی بر سبک اسنادی و افزایش رضامندی زناشویی در زوجهای ناسازگار. *فصلنامه علمی-پژوهشی مددکاری اجتماعی*، سال چهارم، ۱۶. ۳۲. ۱۷-۴۴.
- زارعی محمودآبادی، حسن. (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های میل به طلاق در زوج‌های عادی و متقاضی طلاق شهر یزد. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲ (۴): ۱۱۲-۱۲۸.
- شریفی، مرضیه؛ کارسولی، سجاد؛ بشلیده، کیومرث. (۱۳۹۰). اثربخشی بازآموزی اسنادی در کاهش فرسودگی زناشویی و احتمال وقوع طلاق در زوجین متقاضی طلاق. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱ (۲): ۲۲۵-۲۱۲.

نجاریان، فرزانه. (۱۳۷۴). هنجاریابی آزمون عملکرد خانواده در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه آزاد رودهن.

یوسفی، رحیم؛ عابدین، علیرضا؛ فتح ابادی، جلیل؛ تیرگری، عبدالحکیم. (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی دو مداخله آموزشی گروهی طرحواره محور و سبک زندگی محور در ارتقاء سطح بینش شناختی زوجین دارای نارضایتی زناشویی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱ (۲): ۱۶۰-۱۳۹.

### منابع لاتین

- Avidan, D. E., Yahia, M. H., & Greenbaum, CH. W. (2009). Divorce is a Part of my Life ... Resilience, survival, and Vulnerbility: Young adults' perception of the implications of parental divorce. *Journal of Marital and Family Therapy*, 35, 30- 46.
- Baucom, D. & Epstein, B. (2011). Cognitive-behavioral marital therapy. New York: Brunner /maze.
- Baucom, D., Hosiers, S.L., & Duher, B. (2008). Attributions style and attribution pattern among married couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 21, 596-607.
- Bradbury, T.N., & Fincham, F.D. (2000). Attributions in marriage: Review. *Psychological Bulletin*, 12(7) 13-37.
- Burns, D. (2001). Summary of cognitive therapy interventions. New York. Holt.
- Boss, G. (2007). The marital relationship: Boundaries and ambiguities Hamilton. In B.I. McCubbin and chrls, R. Figles. (eds.) stress and the family. 38-59.
- Carlyon, W.D. (2007). Attribution retraining: Implications for its integration into perspective social skill training. *Psychology Review*. 61-73.
- Dattilo, M., & Epstein, B. (2005). Introduction to the section the role of cognitive – behavioral intervention in couple and family therapy. *Journal of Marital and Family Therapy*, 11, 48-62.
- Eidelson, R.G., & Epstein, B. (2002). Cognition and relationship maladjustment: development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 6, 715-725.
- Epstein, N., & Baucom, D.H. (2006). Cognitive factors in marital disturbance. In S. Dobson and Kendal. P.C. *Psychopathological and cognition*. (3). 351-385.
- Epstein, N.B., Baldwin, L.M., & Bishop, D.S. (2004). The McMaster Family assessment device. *Journal of Marital and Family Therapy*, 9, 171-186.
- Finzi, R., Cohen, O., & Ram, A. (2000). Attachment and Divorce. *Journal of family psychotherapy*, 11, 1-20.
- Fincham, D., & Beach, S.K. (2005). Marital conflict, implications for working couples. *Manual review of psychology*, 50, 47-77.

- Forsterling, F. (2010). Attribution retraining. *A review psychological Bulletin*. 495-685.
- Gottman, J.M. (1994). *What Predicts Divorce?* Hills dale, NJ: Evilbaum.
- Gottman, J.M., & Karkoff, L.J. (1989). Marital interaction and satisfaction: A longitudinal studies. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 9, 47-52
- Holley, P. (2006). The Relationship between Intelligence and Divorce. *Journal of Family Issues*, 27, 1723 – 1748.
- Holtzwrth-Munero, A. & Jacobson, W.S. (2009). Casual attributions and married couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 9, 412-452.
- Horneffer, K.J., & Fincham, F.D. (2006). Attributtinal models of depression and marital distress. *Journal of Personality and Psychology*, 22, 47-59.
- Kalmjin, M., & Uunk, W. (2007), Regional Differences in Europe and the Social Consequences of Divorce: A Test of the Stigmatization Hypothesis; *Social Science Research*, 36: 447-468.
- Kelly, G. (1973). *A Theory of Personality: The Psychology of Personal Constructs*. New York: W. W. Norton & Company.
- Mark man, H.J., & Hallweg, K. (2002). The prediction and prevention of marital distress: An interactional perspective. *clinical psychology review*, 13, 29-38.
- Robinson, E.A., & Price, M.Q. (2006). Pleasurable behavior in marital interaction an observational study. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 2, 117-128
- Teasdale, J.D. (1995). Emotion and two kinds of thinking. *Cognitive therapy and cognitive sciences. Behav. Res.* 31, 339-354.
- Walsh, f. (2001). The family in later life. in b. carter & M, Mc Goldrick (eds), *The change family life cycle : A Frame work for family therapy (2<sup>nd</sup>)*. New york.
- Weiss, R. L., & Hyman, R. E. (2000). A clinical –research overview of couple’s interactions. *Clinical hand book of manage and couples interview*. 18(7) 13-41.
- Weary, G., & Harvey, J.H. (2009). Evaluation in attributional process. *Journal for the theory of social behavior*, 11, 93-98.
- Young, J. E., & Long, L. (1998). *Counseling and therapy for couples*. Guil ford press. New York: